

# The Semiology of Life Style in The Film of Abad-o Yek rouz Based on Eric Landowski' s Pattern

Vahid Sajjadifar<sup>1\*</sup>, Nastaran Kasani<sup>2</sup>

<sup>1</sup>. Ph.D. in Persian language and literature, Razi University, Kermanshah, Iran

<sup>2</sup>. Master student in public linguistics, Razi University, Kermanshah. Iran

\* Corresponding Author, [vahid.sajjadifar1984@gmail.com](mailto:vahid.sajjadifar1984@gmail.com)

## ARTICLE INFO

IRA, 2023-2024

VOL. 1, Issue 1, PP, 57-74

Receive Date: 18 March 2023

Revise Date: 21 May 2023

Accept Date: 21 May 2023

Publish Date: 28 December 2023

Research article

**KEYWORDS:** Life Style; Eric Landowski; Abad-o Yek Rouz Film; Sign-Action

## ABSTRACT

**Introduction:** Eric Landowski, a social semiologist from France, proposed a flexible generalized lifestyle pattern that presents a central group with a particular criterion based on this pattern. Around it are four lifestyle types: Snob, Dandy, Chameleon and Ours. Each has unique and different features and functions about the central group. This pattern can be an efficient instrument for discourse analysis of subjects in different narratives. The film of Abad- o Yek Rouz, directed and written by Saied Roustae and produced by Saied Malekan (2015, includes the valuable products of cinema that belonged the time of the Islamic revolution of Iran in which a part of the way of life of a low-level family with its problems is shown. Various characters in this film have sign-whoions sign-updation to the central group called 'family.' These actions, based on Eric Landowski's lifestyle pattern, can present an accurate concept of the lifestyle analysis in this film; because of this, about the four lifestyle patterns of Eric Landowski, the quality of the subject's lifestyle and their approach in this film is studied and presented as an essential question.

### Goals and Research Questions:

1. About the similarity between the action structure of the subject in Abad- o Yek Rouz's film and the structure of Eric Landowski's lifestyle pattern, do the lifestyle of subjects in this film form in an integrated and homogeneous way or different and heterogeneous?

2. Based on Eric Landowski's lifestyle pattern, what kind of approach, manner, and types do the subjects' lifestyle (s) have in the film Abad-o Yek Rouz?

**Research Hypothesis:** The hypothesis that is presented about mentioned states shows that, most probably, the sign-action structure of subjects in the film Abad- -o Yek Rouz, based on Landowki's pattern, can be analyzed and classified in the form of one central group and four heterogeneous lifestyles: Dandy, Snob, Chameleon and Ours and the approach of lifestyle in this film, more than anything is process and dynamic in which, the subject experience two or three lifestyles in the manner of stepwise.

**Research Literature:** According to lots of studies and research in scientific and research websites and also studying the different articles and researches in this field, no research has been done about the subject's and character's lifestyle in the film Abad-o Yek Rouz based on Eric Landowski's lifestyle pattern, so fare. This article has studied this topic for the first time.

**Research Method:** This research has formed with the descriptive-analytic method. It is based on the lifestyle pattern by Eric Landowski (French social semiologist), in which we try to define and explain the characters' lifestyles based on their sign-actions in the form of Landowki's pattern.

### Cite this article:

Sajjadifar, V., & Kasani, N. (2023). The Semiology of Life Style in The Film of Abad-o Yek rouz Based on Eric Landowski' s Pattern. *Interdisciplinary Researches of Art*, 1(1), 57-74. doi: 10.22124/ira.2023.24143.1002



University of Guilan



**Research Results:** The results of this research indicate that the characters' lifestyles in this film are formed differently; in between central lifestyle and our lifestyle have the most and the minor frequency and respect, and according to the results, the characters' lifestyle in this film in the most cases is process and dynamic; it means that about Landowski's lifestyle pattern, the lifestyle of characters changes during the film and subjects experience two or three lifestyles in the manner of stepwise, of course it is not going to that these changes always and necessarily be conformed with the moving of lifestyles in Eric Landowski's pattern.

### License

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)



Copyright © Authors



## نشانه‌شناسی سبک زندگی در فیلم ابد و یک روز بر پایه الگوی اریک لاندوفسکی

وحید سجادی فرا<sup>۱</sup>، نسترن کسانی<sup>۲</sup>

۱. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

\* نویسنده مسئول: [vahid.sajjadifar1984@gmail.com](mailto:vahid.sajjadifar1984@gmail.com)

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>پژوهش‌های میان‌رشته‌ای هنر، ۱۴۰۲ دوره ۱، شماره ۱، صفحات ۵۷-۷۴ تاریخ دریافت: ۲۷ اسفند ۱۴۰۱ تاریخ بازنگری: ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ تاریخ پذیرش: ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ تاریخ انتشار: ۰۷ دی ۱۴۰۲</p> <p>مقاله پژوهشی</p>	<p>ابد و یک روز (۱۳۹۴) ساخته سعید روستا، فیلمی اجتماعی- خانوادگی است که برشی از زندگی یک خانواده از طبقه پایین جامعه شهرنشین را روایت می‌کند. فیلم دارای ۱۰ شخصیت کلیدی است که این شخصیت‌ها در قالب یک گروه مرجع به نام خانواده قرار گرفته‌اند که البته با توجه به تفاوت‌ها و اشتراکاتشان، هر کدام نسبت به این گروه مرجع دارای کنش- نشانه‌های خاص خود هستند. این کنش- نشانه‌های گاه متعدد و گاه متفاوت، می‌تواند ترسیم‌کننده سبک زندگی این شخصیت‌ها در روایت فیلم باشد؛ به همین سبب در اینجا این مسئله مطرح می‌شود که سبک زندگی شخصیت‌ها در این فیلم (فیلم ابد و یک روز) دارای چه تعریف و رویکردی است؟ در این پژوهش که با روش توصیفی- تحلیلی نوشته شده، تلاش بر این بوده که بر اساس الگوی سبک زندگی اریک لاندوفسکی، نشانه‌شناس اجتماعی فرانسوی، چگونگی سبک زندگی و رویکرد آن از نظر ایستایی، پویایی یا تکرارمحوری (بازگشت به سبک زندگی قبل) در فیلم ابد و یک روز واکاوی و تحلیل شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سبک زندگی شخصیت‌ها در این فیلم به شکل متفاوتی نمود یافته است که در بین آن‌ها سبک زندگی مرجع‌نشین و خرس به ترتیب بیشترین و کمترین فراوانی را داشته‌اند. همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سبک زندگی شخصیت‌های فیلم در بیشتر موارد فرایندی و پویا است؛ به این معنا که با توجه به الگوی سبک زندگی لاندوفسکی، سبک زندگی شخصیت‌ها در جریان فیلم دچار دگرگونی می‌شود و طی این دگرگونی سوژه‌ها گاه دو یا سه سبک زندگی را به شکل مرحله‌ای تجربه می‌کنند، که البته این دگرگونی‌ها همواره و لزوماً با مسیر ترسیم‌شده حرکت سبک‌های زندگی در الگوی لاندوفسکی مطابقت ندارند.</p>

ارجاع به این مقاله: سجادی فرا، وحید و کسانی، نسترن. (۱۴۰۲). نشانه‌شناسی سبک زندگی در فیلم ابد و یک روز بر پایه الگوی اریک لاندوفسکی. پژوهش‌های میان‌رشته‌ای هنر، ۱(۱)، ۵۷-۷۴. doi: 10.22124/ira.2023.24143.1002

## مقدمه

فیلم گونه‌ای از روایت محسوب می‌شود که همانند دیگر گونه‌های روایت در سیر روایی آن سوژه یا سوژه‌هایی وجود دارد که هریک از آن‌ها دارای مجموعه‌ای از کنش‌های قابل تکرار، با افق معنایی مشخص یا قابل پیش‌بینی است؛ در یک نگاه کلی این کنش‌ها به سبب تکرار در قالب یک کنش- نشانه (کنش‌هایی که به مثابه یک نشانه هستند)، معنایی تحت عنوان «سبک زندگی»<sup>۱</sup> را برای سوژه تولید می‌کند؛ سبک‌های زندگی معمولاً در تقابل یا تعامل با سبک زندگی سایر سوژه‌ها<sup>۲</sup> که هر یک در ارتباط با یک گروه مرجع معنا می‌یابند، قابل تعریف هستند.

اریک لاندوفسکی<sup>۳</sup>، نشانه‌شناس اجتماعی فرانسوی، الگویی انعطاف‌پذیر و قابل تعمیم در مورد سبک زندگی مطرح کرده است که بر اساس آن، یک گروه مرجع با معیارهای مشخص، مطرح می‌شود و در اطراف آن چهار گونه سبک زندگی با نام‌های اسنوب<sup>۴</sup>، داندی<sup>۵</sup>، آفتاب‌پرست<sup>۶</sup> و خرس<sup>۷</sup> تعریف می‌شود؛ هرکدام از آن‌ها در قیاس با گروه مرجع، دارای ویژگی‌ها و عملکردهای متفاوت و متمایزی هستند. این الگو می‌تواند ابزاری کارآمد برای تحلیل گفتمان سوژه‌ها در روایت‌های گوناگون باشد.

فیلم *ابد و یک روز* نوشته و ساخته «سعید روستایی» و به تهیه‌کنندگی «سعید ملکان» محصول سال ۱۳۹۴ از جمله آثار ارزشمند سینمای بعد از انقلاب است که در آن برشی از روند زندگی یک خانواده از طبقه پایین جامعه همراه با معضلات مربوط به این طبقه ترسیم می‌شود. در این فیلم شخصیت‌های گوناگونی وجود دارند که نسبت به گروه مرجع تحت عنوان «خانواده»، دارای کنش- نشانه‌هایی هستند؛ این کنش- نشانه‌ها می‌توانند بر اساس الگوی سبک زندگی اریک لاندوفسکی، مفهومی دقیق از تحلیل سبک زندگی در این فیلم ارائه دهد.

بنابراین با توجه به مطالب یاد شده، در این پژوهش دو پرسش عمده مطرح می‌شوند که یافتن پاسخ آن‌ها، ضمن تبیین چگونگی سبک زندگی سوژه‌ها در فیلم *ابد و یک روز*، بُعد جدیدی از تحلیل گفتمان سوژه‌ها را در این فیلم ارائه می‌دهند که عبارتند از:

۱. با توجه به تشابه ساختار کنشی سوژه‌ها در فیلم *ابد و یک روز* با ساختار الگوی سبک زندگی لاندوفسکی، سبک زندگی سوژه‌ها در این فیلم به شکل یکپارچه و همگون نمود یافته است یا به شکل متفاوت و ناهمگون؟

۲. سبک یا سبک‌های زندگی سوژه‌ها در فیلم *ابد و یک روز* با توجه به الگوی سبک زندگی لاندوفسکی دارای چه رویکرد، حالت و گونه‌هایی است؟

فرضیه‌هایی که در این پژوهش و با توجه به مطالب یاد شده مطرح می‌شوند، بیان‌کننده این امر هستند که به احتمال زیاد، ساختار کنش- نشانه‌های سوژه‌ها در فیلم *ابد و یک روز*، می‌تواند بر اساس الگوی لاندوفسکی در قالب یک گروه مرجع و چهار سبک زندگی ناهمگون: داندی، اسنوب، آفتاب‌پرست و خرس تحلیل و دسته‌بندی شود؛ و رویکرد سبک زندگی در این فیلم، بیش از هر موردی، دارای رویکردی پویا و فرایندی است که در آن سوژه دو یا سه سبک زندگی را به شکل مرحله‌ای تجربه می‌کند.

در این پژوهش که با روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از الگوی سبک زندگی اریک لاندوفسکی نوشته شده است، کوشش می‌شود که ابتدا تعریفی روشن از سبک زندگی و الگوی سبک زندگی اریک لاندوفسکی ارائه شود؛

سپس کنش- نشانه‌های ۱۰ شخصیت اصلی و کلیدی در فیلم *ابد و یک روز*، از نظر سبک زندگی واکاوی و تحلیل گردد.

### پیشینه پژوهش

الگوی چهار سبک زندگی اریک لاندوفسکی را برای نخستین بار، (Moin, 2013) در کتاب معنا به مثابه تجربه زیسته در پژوهش‌های فارسی مطرح کرد؛ سپس او در کتاب ابعاد گمشده معنا در نشانه‌شناسی روایی کلاسیک (Moin, 2016) به شکل روشن‌تری به تحلیل این الگو پرداخته است؛ تاکنون پژوهش‌های گوناگونی در مورد نشانه‌شناسی سبک زندگی در پژوهش‌های گوناگون ادبی و غیرادبی انجام گرفته است که مهم‌ترین‌های آن‌ها به شرح ذیل است:

(Mashhadhi, 2017) با هدف شناخت گوشه‌هایی از سبک زندگی نیما، نامه‌های نیما را بر اساس الگوی سبک زندگی لاندوفسکی مورد بررسی قرار می‌دهند و بر این اساس سعی کرده‌اند گوشه‌هایی از سبک زندگی او را روشن کنند.

(Shairi, 2017) با ارائه یک تئوری سبک زندگی را فرایندی چهار مرحله‌ای معرفی می‌کند که در آن انسان به عنوان محور اصلی عبور از وضعیت بسیار کلی و ناپایدار به وضعیت نقشی یافته و پایدار ترسیم می‌شود.

(Arefnejad & Dehghan Astjordi, 2013) با توجه به گفتمان‌های غالب در نهج‌البلاغه، به واکاوی سبک زندگی امام علی (ع) در این اثر پرداخته‌اند.

علاوه بر این، تاکنون نقدها و پژوهش‌هایی نیز از منظر زبان‌شناختی و نشانه‌شناختی در مورد فیلم *ابد و یک روز* انجام شده است که برخی از آن‌ها به این شرح است:

(Amiri & Moridi, 2018) تحلیلی نشانه‌شناختی از فیلم *ابد و یک روز* ارائه می‌دهند که براساس آن، ردپای سه گروه فقر تقدیرگرا، تبعیدی و مقصری را در این فیلم تبیین می‌کنند.

(Hassanvandi et al., 2018) ضمن مقایسه عبارات خلاف‌ادب در فیلم *ابد و یک روز* با زیرنویس انگلیسی آن، معادل‌یابی‌های این عبارات را از نظر زبان‌شناختی در زبان مبدأ مورد واکاوی قرار می‌دهند.

با جستجو در سایت‌های علمی و پژوهشی و نیز با توجه به مقالات و پژوهش‌های فوق‌الذکر، مشاهده شد که تاکنون هیچ پژوهشی که سبک زندگی سوژه‌ها و شخصیت‌های فیلم *ابد و یک روز* را از دیدگاه الگوی سبک زندگی اریک لاندوفسکی مورد بررسی و تحلیل قرار دهد، انجام نگرفته و پژوهش حاضر برای نخستین بار این موضوع را مورد پژوهش قرار داده است.

### چارچوب نظری

#### سبک زندگی

سبک زندگی مفهومی پیچیده، گسترده و چندبُعدی است. این اصطلاح را نخستین بار در سال ۱۹۲۹ آلفرد آدلر<sup>۱</sup>، روان‌شناس اتریشی، در حوزه مطالعاتی خود که فردیت و شخصیت بود، به کار برد (Fadaei, 2015, 65- 76). اما نکته مهمی که در این بین مطرح می‌شود، این است که مفهوم سبک زندگی هرگز محدود به شخصیت فردی نیست؛ بنابراین اصطلاح سبک زندگی می‌تواند دارای تعاریف گوناگون و گاه متضادی باشد؛ به گفتار مفهوم سبک

زندگی مجموعه‌ای از مفاهیم چون: اعمال، رفتار، رویدادها، وقایع، روابط، نسبت‌ها، کنش‌ها، ارزش‌ها، باورها و... را پوشش می‌دهد (Fadaei, 2015, 65- 76). به عبارتی همه آن‌ها در ارتباط با جامعه و دیگران معنا و مفهوم پیدا می‌کنند. به این ترتیب سبک زندگی در هر تعریفی که باشد، «دارای وجهی فرایندی و چالشی است که انسان در مرکز آن قرار دارد. عادت‌ها و رفتارهای تثبیت شده که به یک باور جمعی تبدیل شده‌اند و عمل به آن‌ها ارزش جمعی یافته است» (Shairi, 2017, 75- 92).

با توجه به مطالب فوق، روشن می‌شود که این مفهوم بیش از هر چیز یک مفهوم جامعه‌شناختی محسوب می‌شود و برخلاف اندیشه روان‌شناسان که: سبک زندگی را در مفهوم شخصیت خلاصه می‌کنند، بیشتر بیان‌کننده شیوه خاصی از اداره زندگی است (Ansbacher, 2015, 9- 34). در واقع سبک زندگی را می‌توان مفهومی دانست که افزون بر هدف، در بردارنده اندیشه فرد درباره خود و دنیا است، که بر این اساس می‌توان آن را شیوه منحصر به فرد او در تلاش برای رسیدن به هدف، در شرایط خاص دانست (Akstin, 2009: 35). به همین سبب سبک زندگی، همه فرایندهای عمومی زندگی فرد را ذیل خود قرار می‌دهد (Fadaei, 2015, 65- 76).

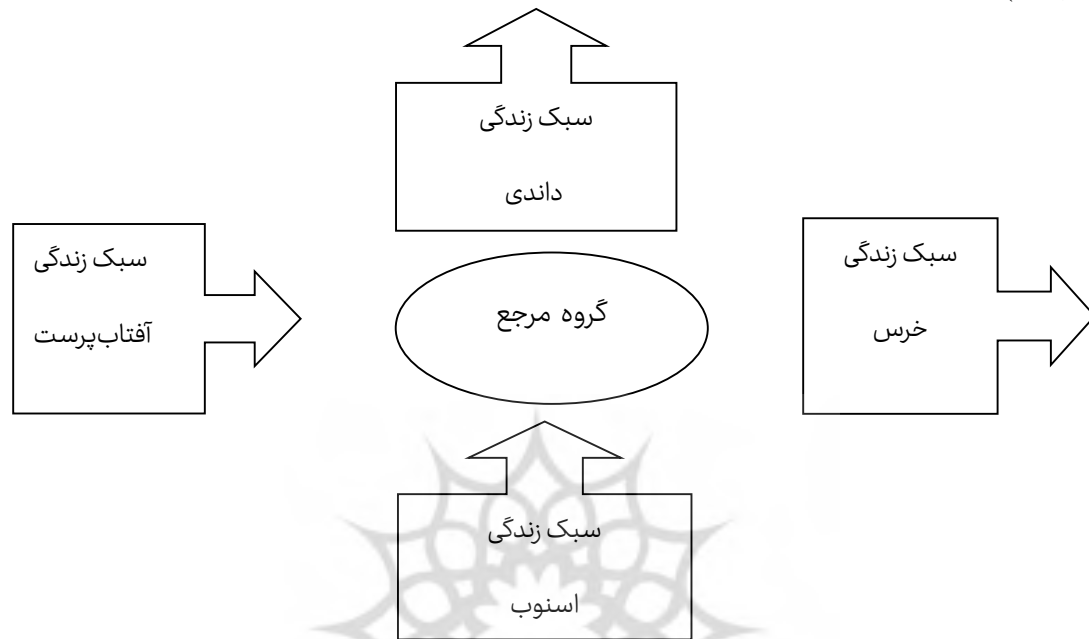
بنابراین می‌توان گفت اصطلاح سبک زندگی یکی از اصطلاحات علوم اجتماعی است که پیوند مستقیم و محکمی با مجموعه‌ای از مفاهیم چون: عینیت، ذهنیت، فرهنگ، جامعه، فرهنگ عینی و ذهنی، صورت (شکل)، محتوا، رفتار، نگرش، ارزش، هنجار، اخلاق، ایدئولوژی، سنت، نوگرایی و... دارد (Mahdavi Keni, 2013, 199- 230). به این ترتیب می‌توان در یک تعریف کلی سبک زندگی را مجموعه‌ای از کنش- نشانه‌های قابل تکرار با افق معنایی مشخصی دانست که این کنش‌ها به سبب تکرار، معنایی را تحت عنوان سبک زندگی سوژه تولید می‌کنند و البته بیش از هر چیز، با توجه به تقابل یا تعامل با سایر سبک‌های زندگی در جامعه مبنا و معیار قابل تعریف است.

#### الگوی چهار سبک زندگی اریک لاندوفسکی

علاوه بر مباحث ذکر شده، سبک زندگی از موضوعات مطرح در نشانه‌شناسی اجتماعی نیز هست که بر اساس مؤلفه‌های نشانه‌ای گوناگونی قابل بررسی و واکاوی است؛ رفتار و کنش از جمله این مؤلفه‌های نشانه‌ای است که بر اساس آن می‌توان تعریف خاصی از سبک زندگی سوژه‌ها ارائه داد. اریک لاندوفسکی، نشانه‌شناس اجتماعی، با مبنا قرار دادن مؤلفه کنش- نشانه‌ها و رفتار- نشانه‌های سوژه‌ها، الگوی قابل تعمیم و انعطافی برای تعریف و تبیین سبک زندگی ارائه داده است؛ بر مبنای الگوی لاندوفسکی، یک گروه مرجع یا هنجار تعریف می‌شود که اساساً در یک بافت مکانی- زمانی مشخص در تقابل با یک گروه دیگر یا غیر، قابل تمیز و تشخیص است (Moin, 2016, 202).

به پیروی از این امر، افرادی که در این گروه قرار می‌گیرند، افرادی هستند که در کمال مطابقت با هنجارهای این گروه عمل می‌کنند؛ به گفتار بهتر، افرادی که در بطن گروه مرکز قرار می‌گیرند، هر لحظه می‌توانند نشانه‌ها و علائم تطبیق و هماهنگی با هنجارهای گروهی را که به آن تعلق دارند، آشکار کنند. آن‌ها افرادی هستند که استانداردهای اخلاقی و زیبایی‌شناختی گروه خود را به خوبی می‌شناسند و آن‌ها را به کار می‌بندند. در واقع می‌توان گفت افرادی که در گروه مرجع قرار می‌گیرند، تجسم مفهوم «نرمال بودن» و «هنجارمندی» هستند (Ibid, 202- 203).

لاندوفسکی غیر از گروه مرجع، چهار گونه کنش و رفتار را در قالب چهار سبک زندگی اسنوب (مبتنی بر تقلید کورکورانه از گروه مرجع)، داندی (مبتنی بر خلق تمایز آگاهانه از گروه مرجع)، آفتاب‌پرست (مبتنی بر تقلید آگاهانه از گروه مرجع) و خرس (مبتنی بر خود بودن و بی‌تفاوتی به هر تقلید و تمایز از گروه مرجع) مطرح می‌کند. هریک از این‌ها دارای کنش- نشانه‌های خاصی نسبت به گروه مرجع هستند که بر پایه آن تعریف می‌شوند و از دیگران تمایز می‌یابند (Ibid, 203).



نمودار ۱. الگوی گروه مرجع و چهار سبک زندگی اریک لاندوفسکی و مسیر حرکت آن‌ها

## بحث و بررسی

### واکاوی الگوی در فیلم ابد و یک روز بر پایه الگوی چهار سبک زندگی اریک لاندوفسکی

فیلم/ ابد و یک روز، نوشته و ساخته سعید روستایی و به تهیه‌کنندگی سعید ملکان، محصول سال ۱۳۹۴ و از بهترین آثار سینمای درام بعد از انقلاب در ایران است که چندین سیم‌رغ بلورین را از سی و چهارمین دوره جشنواره فیلم فجر و نیز جوایز گوناگون دیگر از جشنواره‌های داخلی و خارجی دریافت کرده است. این فیلم ترسیم‌کننده برشی از زندگی یک خانواده از طبقه پایین جامعه ایرانی است که با وجود درگیر بودن با معضلات گوناگونی چون: فقر، اعتیاد، پرخاشگری، طلاق، ازدواج اجباری و... حفظ انسجام و یکپارچگی در آن اصلی‌ترین معیار محسوب می‌شود.

داستان این فیلم در حقیقت روایتی از زندگی دختری به نام «سمیه» در کنار خانواده فقیر خود است که بنا بر ضرورت و اجبار ناشی از فقر خانواده، قصد دارد با جوان افغانستانی ثروتمندی ازدواج کند. همین امر چالشی را در خانواده هشت نفره آن‌ها، به عنوان گروه مرجع، ایجاد می‌کند که بر اثر آن، ضمن شکل‌گیری سه گروه مخالف، موافق

و بی‌تفاوت به این قضیه، تفاوت‌های کنش- نشانه‌ای و رفتار- نشانه‌ای در کنش شخصیت‌های اصلی این فیلم نسبت به مبانی و اصول گروه مرجع (خانواده) ایجاد می‌شود؛ این کنش- نشانه‌ها و رفتار- نشانه‌ها را می‌توان بر اساس الگوی سبک زندگی اریک لاندوفسکی تحلیل و بررسی کرد.

در ادامه این پژوهش، کنش- نشانه‌ها و رفتار- نشانه‌های ده سوژه یا شخصیت اصلی این فیلم شامل: «مادر خانواده»، «شهناز»، «مرتضی»، «محسن»، «اعظم»، «لیلا»، «سمیه»، «امید»، «نامزد مرتضی» و «نوید» نسبت به گروه مرجع آن‌ها، یعنی خانواده، بررسی و تحلیل می‌شود تا ضمن ارائه پاسخی قانع‌کننده به پرسش‌های پژوهش، فرضیه مطرح‌شده در آن نیز اثبات یا رد شود.

### مادر خانواده

مادر خانواده در فیلم/بد و یک روز پیرزنی ازکارافتاده، بیمار و ناتوان است که به تنهایی نمی‌تواند نیازهای شخصی خود را برطرف کند و به همین سبب همواره نیازمند کمک فرزندان خود است. اما همین سوژه با وجود کم‌توانی‌اش، دارای جایگاه نهادی و کلیدی برای حفظ مفهوم خانواده است؛ به گفتار بهتر، وی نقطه ثقل مفهوم خانواده یا همان گروه مرجع در این فیلم محسوب می‌شود که بدون وجود آن ازهم‌گسیختگی گروه مرجع قطعی خواهد بود. به همین دلیل مادر عامل مهمی برای ماندن سمیه، نرفتن قطعی مرتضی، عدم بریده شدن ارتباط شهناز از خانواده و... است که همه این موارد انسجام و یکپارچگی مفهوم خانواده را در این فیلم حفظ می‌کند.

اما جدا از موارد یادشده، خود سوژه نیز در این فیلم دارای کنش- نشانه‌ها و رفتار- نشانه‌هایی است که ضمن تطابق کامل با مفهوم یکپارچگی گروه مرجع، سلامت آن را نیز تقویت و حمایت می‌کند؛ برای مثال در تمام چالش‌ها و مشاجرات میان افراد خانواده که ممکن است مفهوم انسجام در گروه مرجع را با تهدید روبه‌رو کند، در نقش یک سوژه مصلح وارد عمل می‌شود و به این چالش‌ها پایان می‌دهد. همچنین در بخشی از سکانس‌های آغازین فیلم (دقیقه ۲۶:۳۴) وقتی که محسن، فرزند معتاد و خلافکار خانواده، دستگیر می‌شود و همه اعضای خانواده مشغول معدوم کردن مواد مخدرهای بسته‌بندی شده او می‌شوند، شخصیت مادر نیز در کنار سایر سوژه‌ها با وجود ناتوانی وارد عمل می‌شود و این‌گونه در دفاع کردن از مفهوم انسجام گروه مرجع سهیم می‌شود. به همین سبب شخصیت مادر در این فیلم، سوژه‌ای مرجع‌نشین است؛ یعنی فردی که هر لحظه می‌تواند نشانه‌ها و علائم تطبیق و هماهنگی با هنجارهای گروهی را که به آن تعلق دارد، آشکار کند؛ فردی که استانداردهای اخلاقی و زیبایی‌شناختی گروه خود را به خوبی می‌شناسد و آن‌ها را به کار می‌بندد (Landowski, 1997: 35). به این ترتیب این شخصیت از ابتدا تا انتهای فیلم بدون هیچ دگرگونی‌ای باقی می‌ماند و در نقش یک شخصیت ایستا ظاهر می‌شود و هیچ‌گونه فرایند دگرگونی در سبک زندگی او دیده نمی‌شود.



## لیلا

لیلا در روایت فیلم/بد و یک روز دختر سوم خانواده است که به نوعی دچار افسردگی و پوچ‌انگاری شده است و به همین سبب بسیاری از اصول گروه مرجع برای او اهمیت چندانی ندارد؛ بنابراین در عین حضور در گروه مرجع، همواره بر اساس خواسته‌ها و امیال شخصی خود رفتار می‌کند. به بیان بهتر، لیلا دختری خودسر و تا حدود زیادی خودرأی است که در بیشتر مواقع به سبب عدم امکان وجود فضای فیزیکی برای زندگی براساس معیارهای صددرد شخصی او، در تنهایی درونی خود غرق است و کنش- نشانه‌ها و رفتار- نشانه‌های او مبتنی بر اصل خوشایندی و رضایتمندی شخصی است. رفتارهای متضاد او نسبت به قوانین و اصول خانواده هرگز برای ایجاد یک تمایز آگاهانه با گروه مرجع نیست.

لیلا براساس میل خود لباس می‌پوشد، آرایش می‌کند، رفت‌وآمد می‌کند، در بیشتر مشاجرات میان اعضای خانواده کاملاً بی‌طرف و بی‌تفاوت عمل می‌کند و با وجود اینکه همه این کنش- نشانه‌ها در تقابل آشکار با کنش- نشانه‌های مرسوم در گروه مرجع (خانواده) است، اما می‌توان گفت که او هیچ‌گونه آگاهی یا هدف مخصوصی در ایجاد این تقابل و تضادها ندارد. برای مثال در صحنه‌ای از سکانس‌های ابتدایی فیلم (صحنه دقیقه ۷:۲۷) هنگامی که همه اعضای خانواده به شکل کاملاً جدی و با نگرانی برای پیدا کردن مواد مخدر احتمالی در اتاق محسن در تلاش هستند، وی بدون آنکه کمکی کند، به دنبال سوژه‌ای برای خنده و لودگی است. هنگامی که دیگران به او اعتراض می‌کنند، با جبهه‌گیری تندی اتاق را ترک می‌کند.

همچنین در مثال دیگری (صحنه دقیقه ۵۰:۱۴)، شاهد صحنه‌ای از فیلم هستیم که مادر، به عنوان سمبل یکپارچگی و انسجام گروه مرجع، در حال درد کشیدن و اعتراض به عدم یاری لیلا است که برای نگهداری از او در خانه مانده است؛ در همین هنگام لیلا بدون هیچ توجهی همچنان خود را به خواب زده است. همینطور در صحنه دیگری از فیلم (دقیقه ۵۳:۵۴)، سمیه طی یک مشاجره کلامی، لیلا را به سبب بی‌خیالی بودن و خوش‌گذرانی مورد عتاب قرار می‌دهد و با کنایه به او می‌گوید که هنگامی که سایر اعضای خانواده برای آرامش و انسجام گروه مرجع از هشت صبح تا چهار بعدازظهر تلاش می‌کنند، او در حال استراحت و دوش گرفتن است که به نوعی نماد خوش‌گذرانی و دنباله‌روی امیال شخصی است.

به همین دلایل در این فیلم لیلا دارای سبک زندگی خرس است. شخصیت‌های این سبک زندگی، وقتی که مسیری را انتخاب می‌کنند، هیچ‌کس نمی‌تواند آن‌ها را از آن راه منحرف کند. آن‌ها همه ارتباطات خود با گروهی که به آن تعلق دارند را می‌گسلند. کارهای آن‌ها به دیوانگی و یا به نبوغشان تعبیر می‌شود، اما همواره امیال و لذت‌های شخصی برای آن‌ها ارجحیت دارد (Landowski, 1997: 54). لیلا مدام در پی لذت‌های فردی خود است، با این تفاوت که این شخصیت فیلم به سبب دلبستگی به خانواده، گاه به سبک زندگی مرجع‌نشینی باز می‌گردد؛ ولی در ادامه دوباره سبک زندگی خرس را در پیش می‌گیرد؛ به این ترتیب این شخصیت از نظر رویکرد، دارای سبک زندگی فرایندی تکرارمحور محسوب می‌شود.

## محسن

محسن دومین پسر خانواده است که در عین حال که گرفتار اعتیاد است، خرده‌فروش مواد مخدر نیز هست. محسن نیز همانند لیلا، سوژه‌ای خودسر و خودرأی است که میل و لذت‌های شخصی برای او مهم‌ترین اصل است. محسن برخلاف لیلا در دل خانه کوچکی که با خانواده در آن زندگی می‌کند، فضای مجزایی برای خود دارد و به همین سبب امکان بروز کنش- نشانه‌ها و رفتار- نشانه‌های کاملاً منطبق با لذت‌های شخصی برای او، در مقایسه با لیلا، بیشتر فراهم است. محسن همواره بر اساس آن چیزی که فکر می‌کند درست است و از انجام آن لذت می‌برد، عمل می‌کند؛ به همین سبب محسن دارای کنش- نشانه‌هایی است که ناآگاهانه و براساس معیارهای لذت شخصی نمود پیدا می‌کنند؛ این معیارها در رفتار- نشانه‌های محسن به همان اندازه‌ای که می‌توانند در تقابل با اصول گروه مرجع قرار بگیرند، امکان هم‌سوئی با آن را نیز دارند.

برای مثال در سکansı از سکانس‌های ابتدایی فیلم (دقیقه ۳۱:۵۹) شاهد این امر هستیم که محسن برخلاف سایر اعضای خانواده که هر کدام شغلی عادی برای کسب درآمد دارند، شغل مخاطره‌آمیز فروش مواد مخدر را انتخاب کرده است و ترس از دستگیری و زندانی شدن او به خاطر فروش مواد مخدر، عاملی است که انسجام و آرامش خانواده را با چالشی جدی روبه‌رو می‌کند؛ در حالی که برای محسن همین آشفتگی و خطر ازهم‌گسیختگی چندان اهمیتی ندارد.

از سوی دیگر و در سکانس دیگری از فیلم (۱:۲۷:۵) شاهد نوع دیگری از عملکرد محسن بر اساس امیال شخصی هستیم که البته کنش او این بار همسو با اصول و معیارهای گروه مرجع است. سوژه به این دلیل که به ماندن خواهرش، سمیه، علاقه دارد، عاجزانه از او درخواست می‌کند که با جوان افغانستانی ازدواج نکند و در خانواده بماند؛ او برای این کار از ابزارهای القایی‌ای چون: تحریک عاطفی، تهدید، تحذیر و... استفاده می‌کند.

به همین سبب می‌توان گفت محسن یک سوژه با سبک زندگی خرس است. براساس این سبک زندگی که سبکی مبتنی بر رابطه حسی- ادراکی است و نه تعامل با دیگری (Landowski, 1997: 238)، گاهی عملکرد فرد به شکل ناخودآگاه در تقابل با گروه مرجع قرار می‌گیرد، و گاه به همان شکل ناخودآگاه در قالب یک حامی و همسو با آن نمود پیدا می‌کند. این امر تعریفی نو از سبک زندگی خرس را در الگوی لاندوفسکی ارائه می‌کند که براساس آن لزوماً کنش- نشانه‌های سبک زندگی خرس در تضاد با گروه مرجع نیست. بنابراین شخصیت محسن در این فیلم، یک شخصیت فرایندی تکرارمحور محسوب می‌شود که گاه از سبک زندگی خرس به سبک زندگی مرجع‌نشینی باز می‌گردد و در ادامه دوباره سبک زندگی خرس را پیش می‌گیرد.

## مرتضی

مرتضی پسر بزرگ خانواده است که در گذشته گرفتار اعتیاد بوده و اکنون آن را ترک کرده است. مرتضی از نظر سبک زندگی، سوژه‌ای پیچیده است. او در بسیاری از بحران‌هایی که خانواده را به عنوان یک گروه مرجع تهدید می‌کند، وارد عمل می‌شود و مطابق اصول انسجام‌بخش گروه مرجع، رفتار- نشانه‌های گوناگونی بروز می‌دهد؛

مرتضی نان‌آور اصلی خانواده است و در تصمیم‌گیری‌های مهم خانواده نقش موثری دارد و هنگام بروز خطر برای هر یک از اعضای خانواده، مقتدرانه واکنش نشان می‌دهد.

برای مثال در صحنه‌ای از فیلم (دقیقه ۰۵:۲۶) عمیقاً به محسن التماس می‌کند که با مواد مخدر شیشه به جلسه معامله نرود، زیرا احتمال دستگیری او وجود دارد؛ در صحنه‌ای دیگر از فیلم (دقیقه ۰۲:۴۷) هنگامی که خبر زخمی شدن صورت امید، خواهرزاده‌اش، را می‌شنود با آشفتگی همراه سایر اعضای خانواده به آنجا می‌رود و با وجود اینکه در این سکانس با حقارت از خانه خواهر رانده می‌شود، بازهم در صحنه‌ای دیگر (۰۳:۳۶) شاهد پیگیری مستمر او برای یافتن هویت ضارب امید هستیم.

به دلیل چنین کنش-نشانه‌ها و رفتار-نشانه‌هایی است که مرتضی یک مرجع‌نشین متعصب به نظر می‌رسد؛ اما همین سوژه در روند روایت فیلم، رفتار-نشانه‌های دیگری نیز بروز می‌دهد که از نظر معنایی، نه تنها همسو با اصول گروه مرجع نیست، بلکه گاه در تعارض با عملکرد گروه مرجع‌نشین واقعی نمود می‌یابد.

برای مثال در جریان ازدواج سمیه با پسر افغانستانی، معلوم می‌شود که مرتضی، برای تهیه هزینه ازدواج با نامزدش، مبلغ زیادی پول از پسر افغانستانی گرفته است تا در ازای آن سمیه را مجاب کند که به این ازدواج رضایت بدهد. این حقایق حین دیالوگ‌های رد و بدل شده میان محسن، مرتضی و سمیه در صحنه‌ای از فیلم (۰۴:۲۳) قابل دریافت است.

همچنین در صحنه‌ای دیگر از فیلم (۰۷:۲۰) مشاجره لفظی‌ای میان مرتضی و محسن رخ می‌دهد و محسن، مرتضی را متهم می‌کند که به اینکه او سایر اعضای خانواده مانند اعظم، سمیه و... را به ترک گروه مرجع تشویق می‌کند تا خود بتواند با جدا کردن بخش زیادی از خانه برای خود و همسر آینده‌اش، فضایی کافی و مجزا از گروه مرجع فراهم کند؛ مرتضی در دفاع از خود پاسخ قانع‌کننده‌ای ارائه نمی‌دهد.

به همین سبب می‌توان گفت که مرتضی یک سوژه گروه مرجع‌نشین است که با توجه به برخی کنش-نشانه‌های مزورانه به مرور به سوژه آفتاب‌پرست تبدیل می‌شود. در این سبک زندگی، سوژه بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی مجبور است خود را به شکل افراد گروه مرجع در بیاورد، اما در صورت فراهم شدن شرایط ممکن است تغییر رویه بدهد و سبک زندگی دیگری را پیش بگیرد (Moin, 2016, 205). به این ترتیب شخصیت مرتضی در ابتدای فیلم یک شخصیت از گروه مرجع‌نشین نمایانده می‌شود، اما در ادامه این شخصیت در قالب یک شخصیت آفتاب‌پرست نمود می‌یابد که در امتداد حرکت خود، امیال و آرزوهای خود را دنبال می‌کند. به این ترتیب سبک زندگی مرتضی، سبکی پویا است که فرایند دگرگونی در سبک زندگی او اتفاق افتاده است.

## سمیه

سمیه دختر چهارم خانواده و شخصیت اول فیلم است. سمیه در فیلم/بد و یک روز در جایگاه یک شخصیت دلسوز، یک‌لایه و متعصب نسبت به خانواده، ایفای نقش می‌کند. سمیه با جدیت برای آرامش و انسجام خانواده (گروه مرجع) تلاش می‌کند و در این راه از هیچ فداکاری‌ای دریغ نمی‌کند؛ او در تمام بحران‌های پیش‌آمده برای خانواده دلسوزانه حضور دارد و در مشاجره‌ها و اختلاف‌هایی که بین اعضای خانواده اتفاق می‌افتد، همواره در نقش یک مصلح ظاهر می‌شود. انسجام و آرامش خانواده چنان برای سمیه ارزشمند است که تمام علایق و آرزوهای خود

را فدای آن می‌کند؛ او همانند یک خدمتکار تمام وقت، بدون هیچ اعتراضی تمام امور مربوط به خانه و خانواده را انجام می‌دهد. فداکاری او تا حدی پیش می‌رود که او حاضر می‌شود برخلاف میل و علاقه شخصی، با جوان افغانستانی ازدواج کند؛ زیرا تصور می‌کند با پولی که مرتضی از جوان می‌گیرد، ادامه حیات خانواده، به عنوان گروه مرجع، مقدور خواهد شد.

تنها هنگامی که متوجه می‌شود ازدواج او ضربه بدتری از فقر به بدنه گروه مرجع وارد می‌کند، از رفتن منصرف می‌شود. به همین دلیل در صحنه‌های پایانی فیلم (۱:۴۲:۲۰) شاهد این صحنه هستیم که او با چمدان خود دوباره به خانه برمی‌گردد و بدون توجه به مرتضی و عصبانیت او، به درون اتاق می‌رود و این‌گونه با یک رفتار- نشانه متفاوت در مسیر انسجام گروه مرجع عمل می‌کند.

بنابراین شخصیت سمیه به گروه مرجع‌نشین تعلق دارد که با توجه به تعریف سوژه‌های مرجع‌نشین، می‌توان او را تجسم واقعی «نرمال بودن» و «هنجارمندی» دانست که هر لحظه در تطابق و هماهنگی با گروه مرجع عمل می‌کند (Landowski, 1997: 35). بر مبنای مطالب یادشده شخصیت سمیه تا پایان فیلم بدون هیچ تحول و دگرگونی، یک شخصیت از گروه مرجع‌نشین باقی می‌ماند. به این ترتیب سبک زندگی سمیه در این فیلم، سبکی ایستا است که هیچ‌گونه فرایند دگرگونی در سبک زندگی او اتفاق نمی‌افتد.

## نوید

نوید در فیلم *بد و یک روز کوچک‌ترین عضو خانواده است*. او نوجوانی ساکت، باهوش و شاگرد اول مدرسه است. نوید، همانند سمیه، دارای رفتار- نشانه‌ها و کنش- نشانه‌هایی است که در تطابق کامل با مبانی و اصول انسجام‌بخش خانواده است؛ در حقیقت او سوژه‌ای است که میان تمام بی‌نظمی‌های گروه مرجع، دارای نظم و انضباط شخصی در مطابقت با گروه مرجع است.

برای مثال در سکانس‌های ابتدایی فیلم (دقیقه ۲۱:۳۶) محسن از او می‌خواهد که برایش سیگار بخرد و نوید به این سبب که نخریدن سیگار یکی از قوانین خانواده برای او است، از انجام این کار خودداری می‌کند و مورد ضرب و شتم محسن قرار می‌گیرد؛ اما همین سوژه در صحنه دیگری از فیلم (دقیقه ۲۹:۱۸)، هنگامی که پلیس محسن را بدون مواد مخدر دستگیر می‌کند، بدون در نظر گرفتن بغض شخصی، پلیس را فریب می‌دهد؛ زیرا در این هنگام آنچه مهم است، حفظ انسجام و آرامش گروه مرجع است که در صورت دستگیری محسن با مواد مخدر، به شکل جدی دچار خدشه می‌شود.

همچنین در صحنه‌ای دیگر از فیلم (۱:۰۱:۰۶) شاهد این هستیم که نوید علی‌رغم کم‌سن بودن، پایه‌پای سایر کارگران در مغازه فلافل‌فروشی مرتضی کار می‌کند. به همین سبب او در میان خانواده از گروه مرجع‌نشین محسوب می‌شود که به دور از هر هیاهو و کشمکشی، آنچه را که در توان دارد برای حفظ گروه مرجع به کار می‌گیرد. با توجه به این مطالب نوید شخصیتی ایستا و فاقد هرگونه فرایند تحولی در الگوی سبک زندگی است.

## اعظم

اعظم دختر دوم خانواده است که سال‌ها پیش همسرش مرده است و با میراثی که از او برایش به جا مانده، توانسته است تا حدود زیادی سبک زندگی متفاوتی برای خود داشته باشد. اعظم همانند پولدارها لباس می‌پوشد، همانند آن‌ها حرف می‌زند، همانند آن‌ها رفتار می‌کند و حتی خانه‌ای جدا و در یک محله بهتر از محله گروه مرجع دارد. به همین سبب می‌توان گفت که اعظم سوژه‌ای محسوب می‌شود که در عین داشتن برخی پیوندها و اشتراکات با گروه مرجع، به شکل آگاهانه در تلاش است که خود را به گروه مرجع دیگری (افراد متمول و پولدار) شبیه کند. او در این راه کنش- نشانه‌ها و رفتار- نشانه‌هایی بروز می‌دهد که اغلب در تضاد و تقابل با گروه مرجع است.

برای مثال هیچ‌کدام از دختران خانواده اجازه ندارند که لباس و پوششی زننده داشته باشند، آرایش غلیظ داشته باشند و با وجود مجرد بودن تنها زندگی کنند؛ اما اعظم نه تنها به این اصول و قوانین بی‌توجه است، بلکه رفتار- نشانه‌هایی بروز می‌دهد که درست در نقطه مقابل این قوانین و اصول است. برای مثال، در سکansı که بین سمیه و لیلا مشاجره لفظی رخ می‌دهد (۱:۱۴:۴۷)، اعظم ضمن تشویق سمیه به ترک گروه مرجع، خود گروه مرجع را نیز مورد حمله قرار می‌دهد و آن را ناکارآمد و بد معرفی می‌کند.

به همین سبب و با توجه به این ویژگی سوژه داندی که هر کاری می‌کند تا خود را از گروه مرکز مرجع جدا کرده و از آن «متمایز» شود (Landowski, 1997: 54)، و نیز رفتار- نشانه‌هایی که از شخصیت اعظم در این فیلم مشاهد می‌شود، می‌توان گفت که اعظم، سوژه‌ای محسوب می‌شود که با وجود عدم انقطاع کامل از گروه مرجع، تا حدود زیادی دارای سبک زندگی داندی است. به این ترتیب اعظم شخصیتی محسوب می‌شود که مدام در میان گروه مرجع و گروه مرجع دیگری در حال رفت و آمد است و با توجه به این دگرگونی‌ها، یک شخصیت پویا از نظر سبک زندگی به حساب می‌آید که دارای سبک زندگی فرایندی است.

## شهناز

شهناز دختر بزرگ خانواده است. او زنی متاهل با یک فرزند نوجوان است که همراه خانواده‌اش در خانه‌ای در یک شهرک اطراف تهران زندگی می‌کند. شهناز در این فیلم سوژه‌ای محسوب می‌شود که با وجود داشتن خانه‌ای مجزا می‌تواند یک سبک زندگی کاملاً متفاوت با گروه مرجع داشته باشد، اما او به سبب حفظ پیوندهای محکم با گروه مرجع، هنوز عضوی از گروه مرجع به حساب می‌آید تا جایی که در یک صحنه از سکانس‌های میانی فیلم (۱:۰۸:۳۹)، هنگام تلاش برای متقاعد کردن سمیه برای ماندن در تهران، بیان می‌کند که با وجود گذشت دو سال و فاصله بیست کیلومتری با تهران هنوز نتوانسته به دوری از خانواده عادت کند. شهناز نیز همانند سمیه در شرایط گوناگون، در جهت انسجام و پیوستاری گروه مرجع بسیار تلاش می‌کند و در چالش‌ها و مشاجره‌های میان سایر اعضای خانواده در نقش یک مصلح ظاهر می‌شود.

به همین سبب شهناز یک سوژه مرجع‌نشین به حساب می‌آید که با توجه به میزان حضور او در فیلم دارای کنش-نشانه‌ها و رفتار-نشانه‌هایی است که در تطابق کامل با مبانی گروه مرجع است. بنابراین شخصیت شهناز یک شخصیت کاملاً ایستا و فاقد هرگونه فرایند تحول در سبک زندگی است.

### امید

امید فرزند نوجوان شهناز است که به سبب رسیدن به سن بلوغ و نیز تغییرات فیزیکی، دچار بحران‌های خاص این سن است که معمولاً در قالب ورود به گروه‌های هم‌سال و تمایل به استقلال از خانواده بروز می‌کند. علاوه بر این امید در یک خانواده سرخورده بزرگ شده است و این خانواده در جامعه‌ای قرار گرفته که در آن قلدری و ابراز قدرت به عنوان یک ارزش شناخته می‌شود.

شخصیت امید در این فیلم، سوژه‌ای است که به شکل طبیعی زمینه‌های تبدیل شدن به یک سوژه داندی را دارد؛ به همین سبب با توجه به کنش-نشانه‌ها و رفتارهای -نشانه‌های این سوژه در فیلم مانند ایجاد یک زخم عمدی بر صورت، پرخاش‌های لات‌مآبانه با مادر، پدر، دایی و سایر اعضای خانواده، نوع صحبت کردن لاتی و... می‌توان به سادگی متوجه این امر شد که این سوژه به شدت و آگاهانه در حال فاصله‌گیری از گروه مرجع خود و نیز شبیه شدن به یک گروه مرجع دیگر به نام «جامعه لاتی» است. صحبت‌های دوست امید در صحنه‌ای از فیلم (۱:۰۴:۳۲) تصریح‌کننده این امر است که: «او برای پر کردن خط لاتی (شبیه شدن به گروه مرجع دیگر)، صورت خودش را عمدی زخمی کرده است.»

بنابراین امید یک سوژه تمام‌عیار داندی است، زیرا همانند یک سوژه داندی که در واقع فردی استثنایی نیست، اما تلاش می‌کند طوری رفتار کند که از گروه مرجع جدا فرض شود (Moin, 2016, 204)، آگاهانه در تعارض با گروه مرجع قرار گرفته است. به این ترتیب امید شخصیتی است که از نظر سبک زندگی دچار تحول می‌شود و از گروه مرجع خود جدا می‌شود و به این سبب دارای یک سبک زندگی پویا و فرایندی است.

### نامزد مرتضی

نامزد مرتضی آخرین سوژه قابل بررسی در این پژوهش است. او دختری میانسال است که رد و نشانی از خانواده او در فیلم دیده نمی‌شود و همانند امید حضور حداقلی در زمان جاری فیلم دارد. نامزد مرتضی حتی در فیلم فاقد یک نام مشخص است و وجود او تنها با وابستگی به نام مرتضی در روایت فیلم معنا و مفهوم می‌یابد. او به دوست داشتن خانواده مرتضی به شدت تظاهر می‌کند و رفتار-نشانه‌هایی مبنی بر احترام به مبانی انسجام‌بخش گروه مرجع نشان می‌دهد.

برای مثال در صحنه‌ای از فیلم (۱:۰۱:۴۲) شاهد پذیرایی و احترام اغراق‌آمیز او نسبت به سمیه و محسن در مقابل مغازه فلافل فروشی مرتضی هستیم، در حالی که با توجه به آن چه که از مکالمات تلفنی او و مرتضی فهمیده می‌شود،

گروه مرجع برای او چندان اهمیتی ندارد. سمیه در همان صحنه می‌گوید: «خرش از پل نگذشته است، بگذرد همه چیز یادش می‌رود» (همان) که تصریح‌کننده این امر است.

نامزد مرتضی سوژه‌ای است که بنا بر مقتضیات خاص، که در قدم اول کسب رضایت و خشنودی مرتضی و خانواده او برای ازدواج آن‌هاست، خود را دختری خون‌گرم، مهربان و دلسوز نسبت به گروه مرجع نشان می‌دهد. زیرا قصد دارد با این روش خود را به گروه مرجع شبیه نشان دهد و وارد آن شود. البته این نکته نیز قابل بیان است که ورود او به این گروه، هدف غایی و نهایی او نخواهد بود.

بنابراین نامزد مرتضی براساس الگوی لاندوفسکی یک سوژه آفتاب‌پرست است که به اقتضای شرایط و به صورت آگاهانه خود را به گروه مرجع شبیه نشان می‌دهد. با گفتاری بهتر، این سوژه به این سبب آفتاب‌پرست محسوب می‌شود که در تعریف سوژه‌های آفتاب‌پرست گفته شده است که آن‌ها «از روی نیاز و اجبار، از گروهی که خود را «ناچار» می‌بینند به آن نزدیک شوند، «تقلید» کرده و سبک زندگی آن‌ها را پیش می‌گیرند» (Landowski, 1997: 57). شخصیت نامزد مرتضی یک شخصیت دگرگون‌شونده محسوب می‌شود که برای رسیدن به اهداف خود سبک زندگی خود را دگرگون می‌کند. به همین سبب این شخصیت در مجموع از شخصیت‌های پویای این فیلم به حساب می‌آید که دارای سبک زندگی فرایندی است.

جدول ۱. سبک زندگی سوژه‌ها و جهت‌گیری نهایی آن‌ها نسبت به گروه مرجع

شمارگان	سوژه	سبک یا ترتیب سبک‌های زندگی شخصیت‌ها در روایت فیلم	رویکرد سبک زندگی
۱	مادر خانواده	گروه مرجع نشین	غیرفرایندی- ایستا
۲	مرتضی	آفتاب‌پرست - داندی	فرایندی- پویا
۳	نوید	گروه مرجع نشین	غیرفرایندی- ایستا
۴	سمیه	گروه مرجع نشین	غیرفرایندی- ایستا
۵	لیلا	خرس- مرجع نشین- خرس	فرایندی- تکرار محور
۶	اعظم	آفتاب‌پرست - داندی- آفتاب‌پرست	فرایندی- تکرار محور
۷	امید	داندی	فرایندی- پویا
۸	نامزد مرتضی	آفتاب‌پرست - داندی	فرایندی- پویا
۹	شهناز	گروه مرجع نشین	غیرفرایندی- ایستا
۱۰	محسن	خرس- مرجع نشین- خرس	فرایندی- تکرار محور

## نتیجه‌گیری

براساس مطالب تبیین‌شده در بحث اصلی این مقاله و نیز یافته‌های ذکرشده در جدول شماره یک، یافته‌های نهایی این پژوهش بدین‌سان است: هر کدام از ده شخصیت اصلی و کلیدی در روایت فیلم/بد و یک روز با توجه به تعریف یک گروه مرجع مشخص به نام خانواده در این فیلم، دارای رفتار- نشانه‌ها و کنش- نشانه‌هایی خاص در ارتباط با این گروه مرجع هستند. مجموع این کنش- نشانه‌ها، با توجه به الگوی سبک زندگی لاندوفسکی، می‌تواند مفهومی تحت عنوان سبک زندگی را برای هریک از آن‌ها تعریف کند که این سبک‌های زندگی در مجموع مواردی چون: سبک زندگی داندی، سبک زندگی خرس، سبک زندگی آفتاب‌پرست و یک سبک زندگی خاص که می‌توان آن را سبک زندگی مرجع‌نشینی نامید را شامل می‌شود.

شخصیت‌های مادر خانواده، نوید، سمیه و شهناز به سبب تطابق و هماهنگی کامل با مبانی گروه مرجع، شخصیت‌های مرجع‌نشین محسوب می‌شوند و تا انتهای فیلم هیچ فرایند دگرگونی‌ای را در سبک زندگی خود تجربه نمی‌کنند؛ از نظر رویکرد سبک زندگی، شخصیت‌هایی غیرفرایندی و ایستا به حساب می‌آیند.

در این فیلم شخصیت‌های لیلا و محسن، شخصیت‌هایی با سبک زندگی خرس به شمار می‌آیند. آن‌ها همواره در پی پاسخ دادن به لذت‌های شخصی خود هستند، ولی گاهی نسبت به رخدادهای پیش‌آمده برای گروه مرجع (خانواده) از خود کنش- نشانه‌هایی بروز می‌دهند که آن‌ها را تا حدودی به شخصیت مرجع‌نشین نزدیک می‌کند؛ اما این دگرگونی سبک زندگی برای شخصیت‌های یادشده ثابت نیست و بلافاصله به سبک زندگی خرس بازمی‌گردند. به این ترتیب لیلا و محسن شخصیت‌هایی هستند که از نظر رویکرد سبک زندگی، دارای سبک زندگی فرایندی تکرارمحور (بازگشت به گذشته) هستند.

شخصیت «امید» به سبب انجام کنش- نشانه‌هایی آگاهانه که آن‌ها را از گروه مرجع متمایز می‌کند، دارای سبک زندگی داندی است و از نظر رویکرد سبک زندگی، دارای رویکردی فرایندی و پویا محسوب می‌شود؛ زیرا براساس یک دگرگونی مرحله‌ای از سبک زندگی مرجع‌نشینی به سوی سبک زندگی داندی حرکت می‌کند. اما شخصیت «اعظم» در این فیلم همانند شخصیت امید شخصیتی با سبک زندگی مرجع‌نشینی است که در ادامه تبدیل به داندی شده است؛ با این تفاوت که اعظم به سبب پیوندهای عمیق با گروه مرجع مدام در حال تردد در میان این دو سبک زندگی است. به این ترتیب شخصیت اعظم در این فیلم دارای سبک زندگی مرجع‌نشین- داندی- مرجع‌نشین است و از نظر رویکرد سبک زندگی به سبب این تکرار، دارای رویکردی فرایندی از نوع تکرارمحوری است.

در این فیلم شخصیت‌های «مرتضی» و نامزد او، رفتار- نشانه‌هایی بروز می‌دهند که نشان‌دهنده این امر است که آن‌ها به شکل آگاهانه و بنا بر مقتضیات خاص، خود را هم‌سو و هم‌شکل با گروه مرجع نشان می‌دهند. به همین سبب آن‌ها سوژه‌های آفتاب‌پرست هستند که به سبب داشتن اهدافی خاص، خود را در تطابق با گروه مرجع نشان می‌دهند. بنابراین این شخصیت‌ها نیز شخصیت‌هایی هستند که دارای رویکرد فرایندی و پویا هستند.



به این ترتیب بافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که شخصیت‌های این فیلم بیشتر شخصیت‌هایی با سبک زندگی مرجع‌نشینی هستند، اما از نظر رویکرد سبک زندگی این شخصیت‌ها بیش از هر چیز فرایندی (دگرگون شونده) هستند.

### پی‌نوشت

- 1 . Life style
2. subject
3. Eric Landowski
- 4 . Snob
- 5 . Dandy
- 6 . Chameleon
- 7 . Ours
- 8 . Alfred Adler

### References:

- Akstin, D. (2009). Lifestyle assessment and treatment. Ahvaz: Resh Publishing. (In Persian)
- Amiri, S. & Moridi, M. R. (2018). The myth of poverty in Iranian cinema: a semiotic analysis of the film *Abed and Yak Rooz*. *Sociology of art and literature*, 1(1), 65-47. (In Persian)
- Ansbacher, H. (2015). Lifestyle: A Historical and Systematic Review, (A. Ghorbani Trans.). *The taste of life magazine*. 1(1), 9-34. (In Persian)
- Arefnejad, A. & Dehghan Astjordi, M. (2013). Life style semiotics in Imam Ali's speech, *Nahj al-Balagha researches*. 14(41), 89-110. (In Persian)
- Fadaei, M. (2015), Life style and meaning of life in Alfred Adler's thought. *Lifestyle research paper*. 2(3), 65-76. (In Persian)
- Hassanvandi, S., Kazemi, A. & Hasabi, A. (2018). Linguistic and translation study of impolite idioms in two films of Nader's separation from Simin and *Abed and Yak Rooz* and their English subtitles. *Language and translation studies*. 52(1), 107-79. (In Persian)
- Landowski, E. (1997). *presences de l' autre*, Paris: P.U.F.
- Mahdavi Keni, M. S. (2013). religion and lifestyle; A case study of participants in religious meetings. Tehran: Imam Sadegh. (In Persian)
- Mashhadhi, M. A., Shoairi, H. and R. Rezaei. (2017). Research and analysis of Nima Yushij's lifestyle in her letters based on Eric Landofsky's model. *Contemporary world literature researches*. 1(1), 119-148. (In Persian)
- Moin, M. & Landofsky, E. (2013) *Meaning as a lived experience*. Tehran: Sokhn. (In Persian)

Moin, M. (2016). The missing dimensions of meaning in classical semiotics system of matching meaning or dance in interaction. Tehran: Scientific and Cultural Publications. (In Persian)

Shairi, H. R. (2017). Sign- Semantics of Lifestyle. Meaning and Sign Quarterly. 1(1), 75-92. (In Persian)

